

« نقش نخبگان فرهنگی بسیج دانشجویی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ »

مبین جرموز^۱، مریم لعلی^۲

چکیده:

بسیج از جمله ساختارهای مردمی و مقتدر در نظام مقدس جمهوری اسلامی است. نهادی که امروزه به عنوان یکی از محبوب ترین شکل ها در سطح کشور محسوب می شود. بسیجیان با فعالیت های خود در زمینه های گوناگون علمی و فرهنگی با حرکتی پر شتاب تلاش دارند که کشور عزیزمان را به قله سعادت و پیشرفت برسانند. ایران اسلامی در مسیر پیشرفت و تعالی خود به عوامل و شرایط مختلفی نیازمند است که نیروی انسانی متخصص و متعهد یکی از مهمترین و اساسی ترین این عوامل و برنامه ریزی برای نخبگان بسیج دانشجویی از محوری ترین شرایط آن است. حمایت، مدیریت و سازماندهی نیروهای انسانی متخصص و بویژه نخبگان فرهنگی بازدهی و کارایی کشور را ارتقا بخشیده و تهدیدات را تبدیل به فرصت می کند. لذا کم توجهی به این موضوع می تواند ضمن دامن زدن به پدیده مهاجرت نخبگان، فرصت سوزی ها را در کشور تقویت کند. افراد خلاق، صاحبان اندیشه و نظر و نخبگان به عنوان گرانبهاترین سرمایه ها، جایگاه بسیار بالا و ارزشمند دارند و هر جامعه ای که چنین افرادی را در اختیار داشته باشد در فرآیند توسعه و پیشرفت از دیگر جوامع جلوتر خواهد بود.

مقاله حاضر در ابتدا به توضیح مبانی و تشریح نخبگی در زمینه فرهنگی و در ادامه به بررسی ویژگی های دانشجوی نخبه بسیجی پرداخته تا ضمن بیان اهداف و دیدگاهها، راهکارهایی جهت جذب افراد نخبه فرهنگی به بدنه بسیج دانشجویی در راستای نخبه پروری سند چشم انداز ۱۴۰۴ ارائه گردد. همچنین گزیده ای از دیدگاههای مقام عظمای ولایت در باب این موضوع مطرح و به آسیب شناسی هدایت و مدیریت جذب نخبگان فرهنگی می پردازیم.

کلید واژگان: نخبگان، سند چشم انداز، نخبه بسیجی، پیشرفت، سند ۱۴۰۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

مقدمه:

مفاهیم:

نخبه در لغت به معنی برگزیده، زبده، بهین، انتخاب شده هر چیزی و یا هر شخص و صاحب فکر و اندیشه‌ای را گویند که دارای توانمندی و مهارت فکری و سازمان‌دهی باشد. واژه (elite نخبه) در قرن هفدهم برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت خاص به کار می‌رفت و بعدها کاربرد آن برای اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر، مانند واحدهای ضربت نظامی یا مراتب عالی تر اشرافیت هم تعمیم یافت. در ادامه برای اولین بار در قرن ۱۹ بود که نخبه گرایی به عنوان یک مکتب فکری در علم سیاست و جامعه شناسی سیاسی با اندیشه‌های اشخاصی چون: پاره تو و موسکا مطرح شد و به تدریج رواج پیدا کرد و امروزه نخبه گرایی یکی از الگوهای رایج در جامعه شناسی سیاسی و از شاخصه‌های تاثیرگذار بر فرآیند تصمیم سازی و راهبردی در حکومت‌ها به شمار می‌آید. نخبگان از دیدگاه کلی به دو گروهی کلی تقسیم می‌شوند:

۱- نخبگان فکری: افرادی هستند که فکر، اندیشه، نظریه، دوراندیشی و آینده‌نگری تولید می‌کنند.

۲- نخبگان ابزاری به افرادی که صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی باشند، اطلاق می‌شود.

در سال ۱۳۸۵ به منظور تحقق بخشیدن به تأکید مقام معظم رهبری در «استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی نخبگان در راستای توسعه همه جانبه کشور» و در اجرای ماده ۴ اساسنامه بنیاد ملی نخبگان درباره «تعریف نخبه و احراز استعدادهای برتر و نخبگی افراد» آیین نامه احراز نخبگی با هدف منطقی کردن و تعریف شاخص‌های علمی، استانداردسازی معیارها و فرآیندهای شناسایی و معرفی نخبگان و استعدادهای برتر، تصویب شد. در ماده ۲ این آیین نامه نخبه چنین تعریف می‌شود: «نخبه» به استناد ماده ۴ اساسنامه بنیاد به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فناوری و فرهنگ سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد.

بیان مساله:

دهه چهارم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری شده است و ایران اسلامی بر آن است که با برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به اهداف چشم انداز بیست ساله نزدیک و جامعه‌ای مبتنی بر دانایی و کشوری توسعه یافته ایجاد کند. در این راستا کشور بیش از هر موضوعی باید بر سرمایه‌های فکری توانا تاکید نماید، نیروهایی که بتوانند در سطح منطقه و جهان در عرصه رقابت‌ها بدرخشند. افراد نخبه، افرادی با ویژگی‌های منحصر به فرد هستند که از قابلیت‌ها، توانایی‌ها و توانمندی‌های برجسته و عملکرد بالاتر از دیگران برخوردار هستند. نخبگان می‌توانند در تولید و گردش علم، هنر، فناوری، فرهنگ سازی و مدیریت اثر گذاری محسوس داشته و هوش، خلاقیت و نوآوری، نبوغ فکری آنها در تولید و گسترش علم و توسعه علمی جامعه موثر باشد. استعدادهای درخشان و برتر نیز که نخبگان بالقوه هستند با شناسایی و حمایت به نخبگان متعهدی تبدیل می‌شوند که حلقه نخبگان را تکمیل می‌کنند.

استعدادهای درخشان و نخبگان نمونه‌هایی از سرمایه‌های فکری و اجتماعی جامعه هستند که نقش موثری در گسترش تولید علم، ارتقا دست آوردهای علمی و در نهایت اتصال روند رو به رشد تعالی جامعه به نقطه هدف یعنی رسیدن جمهوری اسلامی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ دارند. در این زمینه سازمان بسیج مستضعفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که فراتر از بسیج نظامی و در حوزه بسیج دفاعی - امنیتی در عرصه‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی احساس وظیفه می‌کند میتواند با سازماندهی نخبگان متعهد در حوزه‌های مختلف نقش بی بدیلی در شتاب به روند حرکت رو به جلو پیشرفت و تعالی ملت ایران ایفا کند.

تعریف نخبگان (خواص) از منظر رهبری

تجربه تاریخی معاصر نشان می‌دهد که نخبگان کشور، همواره در یک مسیر حرکت نکرده اند، بلکه همیشه در نوسان بوده اند؛ به طوری که بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری، بعضی از نخبگان با «زاویه گرفتن از نظام» همواره در طول زمان، این رفتار را بروز داده اند. این نخبگان در کلام رهبری، بعضی وقت‌ها تعبیر به «خواص» نیز می‌شود. ایشان خواص را کسانی می‌دانند که «نسبت به قضایا از فهم برخوردار هستند». ایشان می‌فرمایند: «خواص چه کسانی هستند؟ آیا قشر خاصی هستند؟ جواب، منفی است. زیرا در بین خواص، کنار افراد

با سواد، آدم های بی سواد هم هستند. گاهی کسی بی سواد است؛ اما جزو خواص است. یعنی می فهمد چه کار می کند. از روی تصمیم گیری و تشخیص عمل می کند؛ ولو درس نخوانده، مدرسه نرفته، مدرک ندارد و لباس روحانی پوشیده است. به هر حال، نسبت به قضایا از فهم برخوردار است.» ایشان ضمن تقسیم افراد جامعه به دو قسمت عوام و خواص، خواص را افراد آگاه به مباحث روز می دانند که در امور تصمیم گیری بیشترین نقش را ایفاء می نمایند. «در هر جامعه و شهر و کشوری، از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم گیری کار می کنند. راهی را می شناسند و در آن راه که به خوب و بدش کار نداریم گام برمی دارند. یک قسم اینها را که اسمشان را خواص می گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی خواهند بدانند چه راهی درست و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی خواهند بفهمند، بسنجند، به تحلیل پردازند و درک کنند. به تعبیری دیگر، تابع جَوَد. به چگونگی جَوَ نگاه می کنند و دنبال آن جَوَ به حرکت در می آیند. اسم این قسم از مردم را عوام می گذاریم. پس، جامعه را می شود به خواص و عوام تقسیم کرد.»

بنابراین از منظر رهبری خواص کسانی هستند که به مباحث روز آگاهی دارند و قضایا را به خوبی درک می کنند، اگرچه شاید فرد خاص و باسوادی نباشد، ولی چون رفتار اجتماعی را درک می کند، می توان او را خواص نامید؛ هرچند که و اگر کسی باسواد باشد ولی درک درستی از زمانه خود نداشته باشد، این عوام است.

انواع خواص از منظر رهبری:

رهبری خواص را به دو دسته تقسیم می نمایند.

۱. خواص جبهه حق: عدّه ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه حق کار می کنند. فهمیده اند حق با کدام جبهه است. حق را شناخته اند و بر اساس تشخیص خود، برای آن، کار و حرکت می کنند.

این نوع از خواص نیز خود به دودسته قابل تقسیم است:

الف: یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه متاعهای خوب قرار دارند. و به راحتی می توانند از آن دست بکشند.

ب: یک نوع کسانی هستند که درمقابله با دنیا و زندگی، پایشان می لرزد و به راحتی نمی توانند از آن دست بکشند. اگر این نوع از خواص در جامعه در اکثریت باشند، جامعه به سرنوشت بدی دچار خواهد شد.

۲. خواص جبهه باطل؛ این عده کسانی هستند که افراد جامعه را به قرآن، به سنت، به عترت، به راه خدا و به ارزش های اسلامی دعوت نمی کنند؛ بلکه و در مقابل حق هستند و زیر لوای باطل به خدمت مشغولند.

عناصر هدایت کننده نخبه بسیجی

۱- تعهد و روحیه ی بسیجی متولیان امر در سازمان بسیج برای سازماندهی نخبگان کشور می تواند تداعی کننده دوران افتخار آفرین دفاع مقدس باشد که جلوه ای از عطر و رایحه تفکر بسیجی را در جامعه فراهم کند. این تفکر و این رایحه می تواند در تمام کشور گسترانده شود، تفکری که برای رضای خدا، تحقق عدالت، خدمت به جامعه، گسترش آبادانی، استقلال، عزت و سربلندی کشور هر مانعی را از سر راه بر می دارد.

۲- فرهنگ بسیجی به عنوان مهمترین مولفه پیشرفت تعالی عرصه های مختلف جامعه اسلامی مورد توجه بوده و دست آوردهای این تفکر و اندیشه در ایران اسلامی به گونه ای آشکار و ایان است که مورد اذعان و تایید همگان قرار گرفته است. راهبرد عمل و انجام وظایف تفکر خلاق و تحول زا و تعالی آفرین تفکر بسیجی به عنوان یک الگوی کارآمد اسلامی نشان واقعی است که امروزه در قالب یک فرهنگ علاوه بر شتاب بخشیدن به آهنگ سازندگی و تکمیل چرخه خود کفایی به عاملی برای ایجاد آرامش و امنیت جامعه و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

۳- تلاش و آینده نگری مبتنی بر تفکر ناب بسیجی می تواند مصداقی از بهره گیری از تجارب غیور مردان بسیجی باشد که میدان دفاع مقدس را به عرصه دفاع همه جانبه از ارزشهای دینی و ملی تبدیل کرده است و با عزمی راسخ به دفاع از آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی پرداختند و درس های بزرگی را به نسل های آینده دادند که امروزه در غالب تفکر بسیجی در اشکال مختلف در عرصه های مختلف جامعه قابل احساس است.

در شرایط کنونی شناخت و درک عمیق تر از فرهنگ بسیجی کمک می کند تا زنده نگه داشتن و تداوم فرهنگ تعهد، دینداری، استقلال، پیشرفت و تعالی در محور فعالیتهای فردی و اجتماعی قرار گیرد. تفکر بسیجی همواره

نگهبان این انقلاب و کشور بوده و فراگیر شدن این تفکر به ویژه در زمینه جذب، پرورش و نگه داری انرژی‌های هوشمند و نخبه کشور در راستای گسترش تفکر بسیجی در جامعه به حساب می‌آید.

۴- احساس مسئولیت و شتاب بخشیدن به روند شناسایی، حمایت و بهره‌گیری از محصولات اندیشه‌ای و تولیدات نخبگان از ضرورت چنین موضوع با اهمیتی است. وجود مراکز علمی و پژوهشی مناسب برای پرورش و کار آمدسازی نخبگان از ضرورت‌های بسیج نخبگان است. هماهنگی بین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و نیازهای جامعه از نیازهای اولیه ساماندهی نخبگان و بهره‌گیری از ظرفیت و توانمندی آنان می‌باشد. عوامل فرهنگی و فرهنگ سازی مبتنی بر تفکر بسیجی از عوامل بسیار موثر در توسعه منابع انسانی و سرمایه اجتماعی است و موضوع جذب، پرورش و بکارگیری نخبگان در این راستا بسیار با اهمیت است.

راهبرد های نخبه پروری در بسیج دانشجویی:

در آموزه‌های دینی به ویژه در سیره‌ی عملی پیشوایان بزرگ اسلامی نیز توجه به نخبگان و واگذاری مسئولیت به افراد شایسته و با صلاحیت، به روشنی دیده می‌شود و در مدیریت اسلامی موضوع «شایسته‌سالاری» به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم، مورد توجه قرار گرفته است.

در دنیای کنونی نیز که عصر پیشرفت و تکنولوژی است، نیازهای انسان به مراتب بیشتر و متنوع تر شده اند. همه مسئولیتها، از مسئولیت زن خانه دار گرفته تا پرمشغله ترین و اجتماعی ترین مسئولیتها، یک نوع نخبگی یا همان تفکر بسیجی را می طلبد.

نخبه بسیجی یا بسیجی نخبه سعی بر این دارند که بتوانند تمامی توان بالقوه خود را بشناسند. تلاش میکنند تا این استعداد درونی را به فعل در آورند. برای این منظور لازم است به نیازهای متنوع خود به ترتیب اولویت واقف گردند. به عنوان مثال نیاز به غذا، لباس و..... اگر چه نیاز اولیه محسوب میشود، اما بر تمامی نیازهای مدرن امروزی محوریت دارد، چون تمام نابسامانیهای جهان و نکته بسیار مهم اینکه آنچه باعث شده تا شخص، نه تنها بسیجی نشود و یا نخبه نشود، بلکه دچار یک نوع سردرگمی شده که حتی زندگی معمولی را نیز از دست میدهد، به علت برخورد

منطقی و عاقلانه نداشتن در مقابل این نیاز اولیه است. به عنوان مثال یک زن خانه دار نیاز امنیت روانی در منزل را در راس همه نیازهای خود می داند. زن خانه داری که فرهنگ بسیجی دارد تلاش میکند، چه بر نامه ریزیهای بکند تا آسایش منزل در مقابل مثلاً کمبود اقتصادی بر هم نخورد. کم نیستند زنان نخبه که در مدیریت منزل نو آورند و نخبگانی همچون شهید فهمیده ها را به جامعه الگو میدهند

بدیهی است که در دهه چهارم انقلاب به افرادی در عرصه کارشناسی و مدیریت ظاهر می شوند که در جریان و متن انقلاب و دوران طلایی دفاع مقدس حضور نداشته اند، از این رو یکی از وظایف محوری نهادهای برخاسته از انقلاب پرورش صاحب نظران و مدیرانی در تراز جمهوری اسلامی و وفادار و متعهد با آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی است:

(۱) بسیج می بایست با پرورش نخبگان متعهد انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را از حیث وجود کارشناسان فهیم و مدیران انقلابی بیمه کند که یکی از رویکردهای اصلی بای تحقق این مهم جهاد علمی و پژوهشی است.

(۲) توجه به نخبه پروری و تجلی خود باوری برای دستیابی به جایگاه علمی مطلوب پیش بینی شده در چشم انداز بیست ساله از موضوعاتی است که نیازمند عزم جدی مسئولان ذی ربط است.

(۳) بهره گیری از نخبگان کشور از برترین نیروهای انسانی جهان هستند می تواند زمینه مناسب را برای قرار گرفتن ایران اسلامی در جایگاه شایسته خود در منطقه فراهم کند.

(۴) از مهمترین عوامل موثر در اعتماد سازی و تقویت روحیه نخبگان توجه به نیازهای مختلف آنها به ویژه در زمینه معنوی و جلب رضایت آنها است.

(۵) رسیدگی به نیازهای مشروع نخبگان، رشد و شکوفایی استعدادها، فراهم نمودن امکانات لازم و ضروری برای آنان باعث می شود تا با آرامش خاطر و بدون دغدغه به تلاش و فعالیت خود ادامه دهند. نخبگان باید احساس کنند که نوآوری و ابتکارهای آنها در سطح جامعه و کشور تاثیر می گذارد و همگان از خلاقیت، تفکر و اندیشه آنان به گرمی استقبال می کنند.

۶) استعدادهای برتر، افراد باهوش، مبتکر و نخبگان به عنوان سرمایه‌های عظیم و ارزشمند و محوری‌ترین عامل پیشرفت و تعالی کشور و نظام به حساب آمده و پرورش و این استعدادها و ظرفیت‌ها می‌تواند شتاب بیشتری به این روند ببخشد.

۷) هرچند دستگاههای رسمی و مسئول در کشور برای ساماندهی نخبگان وجود دارد، اما ساماندهی نخبگان بسیجی و به تعبیر دیگر نخبه‌پروری در بسیج نیز از ضرورت‌های تکمیلی این مساله است.

۸) سیاست گذاری و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رشد و شکوفایی استعدادها و پرورش نخبگان از مهمترین ضرورت‌های نخبه‌پروری است، از دیگر مولفه‌های مهم در نخبه‌پروری و ساماندهی نخبگان انتخاب مدیران و متولیان لایق و شایسته برای این موضوع مهم است.

۹) پیش‌بینی ساز و کارهای لازم برای کارگروهی یکی دیگر از ضرورت‌های نخبه‌پروری است. ایجاد هسته مرکزی و دفاتر کارآمد در سطوح مختلف برای تمثیت و مدیریت هوشمند بر دستیابی، پرورش و به کارگیری نخبگان از ضرورت‌های نخبه‌پروری است.

۱۰) ضرورت استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی و فکری و توانمندی‌های علمی-مهارتی نخبگان نیز در عرصه نخبه‌پروری و ساماندهی آنان بسیار با اهمیت است.

۱۱) فرهنگ سازی برای بها دادن به علم، تعهد، تخصص و مهارت و همچنین نهادینه کردن فرهنگ بسیجی در حوزه فردی و سازمانی نیز از موضوعات مهمی است که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۲) تلاش برای شناسایی نخبگان گمنام و معرفی و حمایت از آنان در حوزه‌های علمی-پژوهشی نیز از الگوهای علمی نیز موضوعاتی است که در عرصه نخبه‌پروری دارای اهمیت است.

۱۳) بهره‌گیری از رسانه‌ها و دیگر عرصه‌های اطلاع رسانی برای معرفی نخبگان بسیجی و متعهد به عنوان الگوهای علمی نیز از موضوعات مهم در عرصه نخبه‌پروری به حساب می‌آید.

۱۴) اعتماد به جوانان نخبه و ایجاد زمینه برای ورود آنان به عرصه‌های مهم کارشناسی و بدنه و مدیریتی کشور و نقش آفرینی آنها در پیشرفت و تعالی و اداره کشور نیز بسیار مهم است.

۱۵) بسترسازی و ایجاد ساز و کار کارهای لازم و فضای سالم و عاری از فساد و تبعیض در جهت تولید علم و فناوری می‌تواند به نخبه‌پروری کمک شایانی بنماید.

۱۶) ایجاد فضای آزاد اندیشی و احترام به اندیشه‌ها و ایده‌های نخبگان و همچنین برنامه‌ریزی برای قرار گرفتن آنان در جایگاه مناسب خود می‌تواند به نخبه‌پروری و پرورش استعداد آنها کمک نماید.

۱۷) سازمان بسیج می‌تواند با بهره‌گیری از مولفه‌های تاثیرگذار تفکر مهمی چون: پیوند با ولایت، ایمان و اخلاص، آزادی در چارچوب عبودیت، اطاعت آگاهانه، عدالتخواهی همه‌جانبه، ظلم‌ستیزی، تکلیف‌گرایی، ایثارگری، شجاعت، صلابت خلاقیت و نوآوری نخبه‌پروری مبتنی بر تفکر ناب بسیجی را در دستور کار قرار دهد.

راهکارهای عملی جذب افراد نخبه در ساختار بسیج دانشجویی

در اینجا باید یک نکته را اشاره کرد و آن اینکه فاصله افراد نخبه از بسیج می‌تواند به دو دلیل باشد: یکی اینکه عده‌ای به دلیل بی‌اطلاعی و یا جوانی و خامی فرصت آشنائی با بسیج را پیدا نکردند که با کوچکترین حرکتی که به اهداف بسیج آشنا شوند، جذب می‌شوند چون روح تعاون و همکاری دارند که بر خود لازم می‌دارند به کشورشان باید کمک کنند. دوم اینکه عده‌ای اسمشان بسیجی نیست ولی اهداف بسیجی را رد نمی‌کنند لذا این فاصله در هنگام ضرورت از بین می‌رود همانطوریکه در زمان دفاع مقدس چنین بود، نخبگان جامعه اعم از پزشکان، مهندسان، دانش‌آموزان و دانشجویان، معلمان، روحانیون، بازاریبان و خانم‌های خانه‌دار همه بسیجیان نهفته‌ای بودند که در هنگام نیاز و به فرمان امام برای اعزام به جبهه، مشکل کشور را البته با وحدت رهبری آنگونه حل کردند که چشم جهان هنوز خیره و مات است. و این سیر تجسم کامل ((بسیج)) است و حال که در عملکرد فاصله‌ای بین این دو نیست، با برنامه ریزیهای صحیح می‌توان فاصله ظاهری را از بین برد.

آشنا نمودن افراد نا آشنا با اهداف بسیجی و یا افراد به ظاهر غیر بسیجی، با اهداف و تفکرات بسیجی، و همچنین دعوت و تقاضای همکاری از آنان در جهت رفع نیازهای جامعه گامی بلند در راه جذب آنان به بسیج که در حقیقت خواستگاه اصلی آنان یعنی انسانهای سالم، فهیم و نخبه است به شمار می‌رود.

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که رابطه بین نخبه و بسیجی یک رابطه لازم و ملزومی است. از طرفی یک نخبه بسیجی است و از طرفی دیگر یک بسیجی نخبه است. آنچه یک نخبه را موفق کرده است، تفکر بسیجی است. بسیجیان در راه تحقق اهداف بسیج و نوآوران با تفکر بسیجی، در راه نوآوری گام های بلند و مهمی بر می دارند و به افزایش توانمندی های خود در عرصه فن آوری همت می گمارند. شنا سایی اصول و تفکر بسیجی باید در جامعه پر رنگ تر شود تا تحصیل کردگان ظاهرا غیر بسیجی بدانند که آن ها نیز بسیجی هستند چون در راه اهداف والای انقلاب و جمهوری اسلامی گام بر میدارند. شرکت دادن اینان در تشکلات سازمانی بسیج فاصله ظاهری را از بین خواهد برد.

تجارب نخبه پروری در بسیج دانشجویی

از آن جا که مهمترین و اولین گام برای نخبه پروری در بسیج می بایست مبتنی بر فرهنگ سازی و تهیه نقشه جامع جذب، سازماندهی و بکارگیری باشد، بحمدالله بسیج توانسته است در این مهم با بستر سازی و ایجاد حداقل هایی از امکانات و ساختار اداری نظامند موفقیت های چشمگیری را حاصل نماید؛ به گونه ای که امروز درخشش فرزندان بسیجی این مرز و بوم در المپیادهای علمی ملی و بین المللی و دستیابی به علوم متری دنیا ناشی از این مقوله است.

تخصصی نمودن بسیج و تشکیل بسیج اقشار به منظور ساماندهی اقشار و صنوف مختلف در بسیج را می توان یکی از دستاوردهای مهم بسیج در این حوزه ارزیابی نمود. به موازات این امر، تعریف مشخصی از اقشار مختلف در بسیج ارائه شد تا با سازماندهی آنها به تناسب فعالیت هایشان نسبت به نخبه پروری متعهد و نخبه سازی انقلابی که همان نخبگانی با تفکر و اندیشه انقلابی که منبعث از آموزه های دینی است، اقدام نماید. به عبارتی دیگر سازمان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران با راه اندازی اقشار مختلف بسیج، از بسیج دانش آموزی، فرهنگیان، نخبگان، مهندسان، فرهنگیان، هنرمندان و خبرنگاران، اهل قلم و نویسندگان، ورزشکاران، اصناف، کارگری و اداری، پزشکی، دانشجویی، وکلا و ... توانست برای گسترش فرهنگ و تفکر بسیجی و تشکیل ارتش بیست میلیونی که توصیه راهبردی امام امت و مقام معظم رهبری برای متولیان امر در نظام جمهوری اسلامی ایران بود؛ گام های ارزشمندی بردارد.

نامگذاری دهه چهارم انقلاب از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به «دهه پیشرفت انقلاب» باعث گردیده تا نخبه پروری و رسالت نخبگان تبدیل به امری شود که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. این مهم

ایجاب می کند یکی از رویکردهای اصلی بسیج به جهاد علمی و پژوهشی و تشکیل کانون ها و پژوهشکده های علمی باشد. گرچه در این راستا گفتمان سازی جنبش نرم افزاری و تصویر ذهنی و عزم و اراده در بسیج و تشکلهای وابسته به آن شکل گرفته است و مزین نمودن چهارمین روز از هفته بسیج به نخبگان بسیجی و تجلی خودباوری هم، گامی دیگری در این راستاست؛ اما دقت و سرعت عمل برای دستیابی به جایگاه علمی مطلوب و مورد نظر در چشم انداز بیست ساله نیازمند عزمی جزم می باشد.

صعود بر قله های رفیع علم و دانش در دهه پیشرفت همراه با گسترش عدالت در دهه چهارم انقلاب مستلزم پذیرش الزامات عدالت محوری و انقلابی گری است که نیروی مقاومت بسیج با جدیت تمام با بستر سازی و حمایت از نخبگان علمی و فرهنگی بسیج در رشته های علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی، فنی - مهندسی و ... در صدد بسط و گسترش تفکر بسیجی و خلق برنامه هایی با تفکر بسیج محورانه است .

تدوین راهبرد نخبه پروری در ایران ۱۴۰۴

بی تردید ترسیم و تدوین فرآیند آموزش و تربیت نخبگان پروسه ای کارشناسی و نیازمند بررسی جوانب مختلف و نیازسنجی سیستم سیاسی کشور در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی است که همه جوانب در آن لحاظ و خروجی آن تضمین شود تا تحت الشعاع برخوردهای سیاسی و سیاسی کاری واقع نشود. ازطرفی باید رهنمودهای قبلی مقام معظم رهبری حول نهضت نرم افزاری و تولید علم نیز در تدوین این راهبرد مدنظر ویژه باشد.

در چنین راهبردی، نخبه سیاسی باید عناصرهای تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، زبانی و اجتماعی ایران را بشناسد و بداند دولت - ملتی مانند ایران چه مشخصات داخلی، منطقه ای و جهانی دارند. اینکه توانایی و امکانات ایران برای توسعه داخلی و نقش آفرینی در سطح منطقه و جهان تا چه حد است با شناخت دقیق از موجودیت ملت ایران؛ نخبه، علم سیاست می تواند برنامه و چشم اندازی واقعگرایانه جهت پایداری همراه با قوت و قدرت ایران ارائه دهد.

براین اساس در حوزه حکومت بررسی نظام سیاسی ایران و شناخت دقیق حاکمیت موردنظر است. فهمیدن ارتباط دینی، تاریخی و اجتماعی حاکمیت با ملت ایران و شناختن منابع واقعی قدرت ما را به تحلیل مناسبتری هدایت می کند. آنچه در مورد قدرت مدنظر است درک درست مولفه های قدرت در دنیای جدید براساس

منابع طبیعی و انسانی آن است. در نظر داشتن قدرت سخت و گذر از آن به سوی قدرت نرم، توجه به علم، فناوری، آگاهی علمی و قدرت ابزار سازی کلیدی ترین موضوعات مورد طرح برای دانش پژوهان سیاست در حوزه قدرت هستند و پرواضح است تعلیم نخبگان سیاسی منطبق بر ویژگیهای فوق باید توسط نخبگان متعهد صورت پذیرد. سیاست برنامه نخبگان فکری- اجرایی جهت تصمیم سازی و مدیریت عالی جامعه است و در این میان دولت، قدرت و حکومت به عنوان اساسی ترین موضوع های علم سیاست ارتباط تنگاتنگی با چگونگی نخبگان سیاسی دارند و برای ترسیم راهبرد نخبه پروری سیاسی در ایران شناخت دقیق ماهیت این سه پدیده بنیادی ترین مسئله است.

با توجه به آنچه ذکر شد لزوم طراحی و تدوین سند چشم اندازی ۱۰ یا ۲۰ ساله براساس نیازسنجی ارکان کشور برای نخبه پروری سیاسی به خوبی حس می شود که در سایه همگرایی ارگان های علمی- اجرایی کشور و فارغ از هرگونه سیاسی کاری می تواند خروجی نخبگان سیاسی کشور را نهادینه و تضمین کند. «نخبگان سیاسی متعهدی» که آنچنانکه در قرآن کریم نیز می خوانیم به مصداق «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»؛ یعنی اگر می خواهید سرنوشت شما تغییر کند، ابتدا باید محتوای باطنی خود را تغییر دهید، در این محتوای باطنی، عنصر «فکر و شناخت» را در کنار عنصر «ایمان» توأمان تحصیل می کنند.

ضرورت جذب و تربیت نخبه بسیجی در توسعه نظام اسلامی ایران ۱۴۰۴

با نگاهی گذرا در زمینه شناسایی و سازماندهی نخبگان کشور می توان گفت با وجود برنامه ریزی ها و اقدامات خوبی که در سال های اخیر در این راستا انجام شده است، اما روش های جامع، کامل و فراگیری برای پرورش استعداد های درخشان و سازماندهی نخبگان متعهد کشور وجود ندارد. با توجه به این که نخبگان در طول زندگی خود همواره در حال درخشش نبوده و دوره رشد و شکوفایی آنان یکسان نیست، شناسایی و پرورش این استعداد ها و توسعه و ارتقا ظرفیت ها و توانمندی های آنها توسط متولیان امر در کشور یک ضرورت غیر قابل انکار قلمداد می شود. ضرورت نیاز سنجی و نیاز آفرینی برای نخبگان بالقوه و بالفعل کنونی و آینده از طریق پژوهش و برنامه ریزی حاصل از آن مهم است.

با توجه به این که اهداف کلی نظام جمهوری اسلامی ان است که با اجرای برنامه های مختلف توسعه و به صورت خاص چشم انداز ۲۰ ساله به جایگاه شایسته خود در منطقه و در سطح جهانی برسد و جامعه ای مبتنی بر دانایی و کشوری توسعه یافته و الگو ایجاد کند، جمهوری اسلامی بیش از هر موضوعی به پرورش سرمایه های

فکری و شکل دهی سرمایه انسانی و اجتماعی نیازمند است که نخبگان متعهد خمیرمایه‌های اصلی این سرمایه پایدار به حساب می‌آیند. در شرایط کنونی موضوع نخبه‌پروری و بهره‌گیری از ظرفیت و توانمندی نخبگان متعهد و برخوردار از اندیشه و آرمانهای ارزشی از ضرورت‌های غیر قابل انکار جامعه به حساب می‌آیند.

منابع:

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)، عوام و خواص ۱۳۷۵/۳/۲۰
- ۲- عطاfer، علی، سند چشم انداز ۱۴۰۴، قانون برنامه چهارم توسعه و تحولات بنیادی مورد نیاز، ۱۳۸۸، دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- ۳- حسینی، سید حسن، سنجش و مقایسه میزان پیامدهای انزوای اجتماعی در میان دو گروه توده و نخبه جامعه، ۱۳۸۷، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- ۴- توحید فام، محمد، نظریه دولت نخبه گرا و دموکراسی، ۱۳۸۵، تهران، گنج دانش
- ۵- جیمز ای. بیل، ترجمه مجید خسروی، الگوی روابط قدرت در نخبگان سیاسی ایران، ۱۳۷۹، تهران
- ۶- فیوضات، ابراهیم، نخبگان ایران، ۱۳۸۳، تهران، میزان
- ۷- نخبه گرایی و حوزه عمومی، نوشته محمد امین قانع راد، ۱۳۸۶، مجد
- ۸- صفری، میلاد، نوآوری در جذب منابع انسانی، ۱۳۹۰، تهران
- ۹- حیدری نیا، صادق، مقایسه نقش نخبگان در فرآیند نوسازی ایران و ژاپن، ۱۳۸۸، تهران، نشر نو